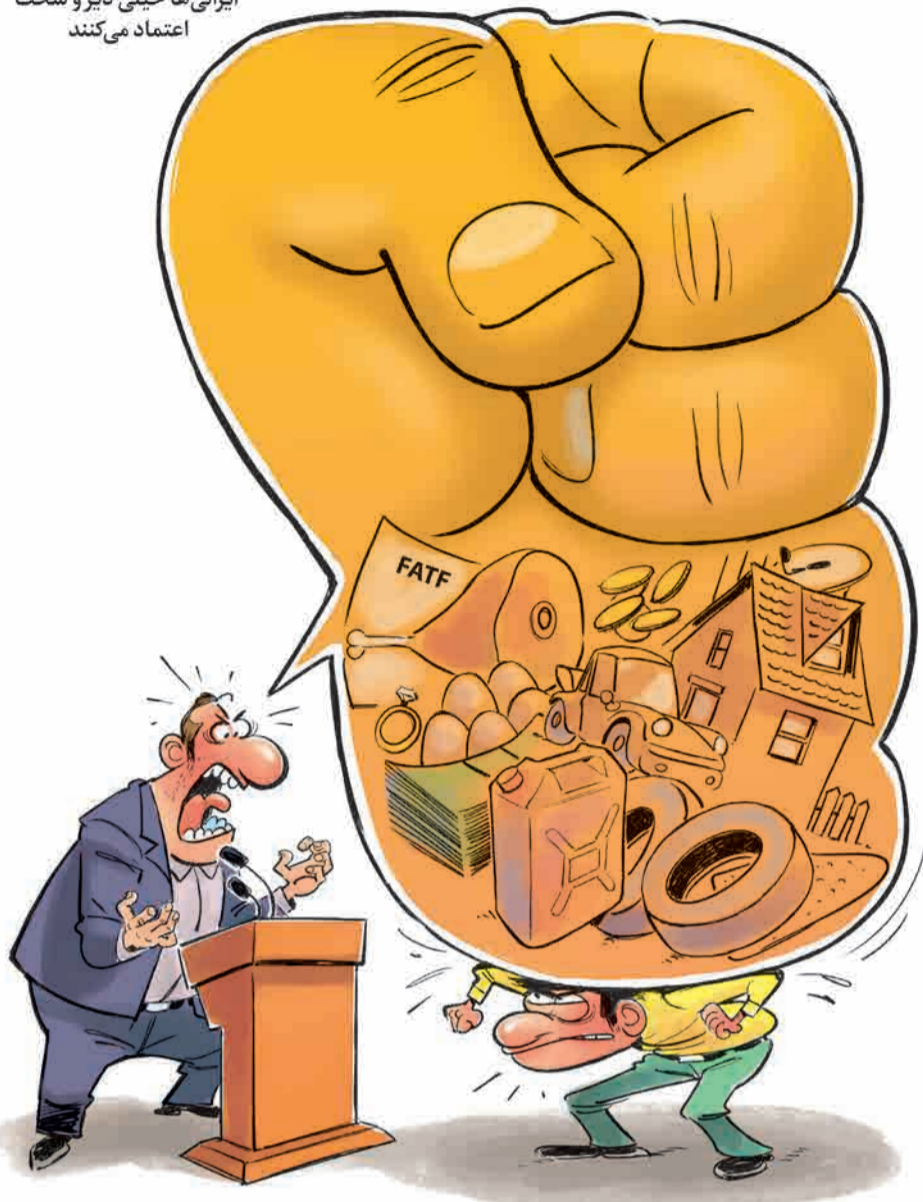




ایرانی‌ها خیلی دیر و سخت  
اعتماد می‌کنند



شهر ونگ

محمدصادق محمدی ملیح

معرفی کرد و گفت از این به بعد اینها را ببوش. لباس جدید آن قدر گشاد بود که تو پاچه‌هایش می‌شد دو تا خربزه جا کرد. به خودم گفتم بی‌خیال مرد عنکبوتی حواس تو جمع کن بعد چندتا تار زدم و پریدم از ساختمان بالا. تا طبقه ۱۲ را خوب رفتم ولی بعد آن به خاطر آلودگی هوا چیزی معلوم نبود. تصمیم گرفتم در ارتفاع پایین ببرم ولی به خاطر مهندسی غیراستاندارد ساختمان‌ها می‌شد زمین می‌خوردم. چاره‌ای نبود باید از تاکسی اینترنتی استفاده می‌کردم. درخواست دادم. راننده بعد از قبولی درخواست، زنگ زد و گفت داداش کجایی؟ تا آمد مرا با لباس مخصوص دید گفت: «برو بابا دیگه شور این دوربین مخفی اینستاگرامی رو درآوردین.» □

### مرد عنکبوتی در تهران

من مرد عنکبوتی هستم بعد از اینکه وضع مالی ام افول کرد، تصمیم به مهاجرت گرفتم. یک چند روزی بود که داشتم دنبال یک کشور خوب برای زندگی می‌گشتم که با ایران از طریق صدا و سیما ملی آن آشنا شدم و دیدم که چقدر استانداردهای زندگی آن بالاست. بعد از مهاجرت در خیابان‌های تهران قدم می‌زدم که یکهو صدای جیغ یک زن را شنیدم که درخواست کمک می‌کرد سریع لباس مخصوص را پوشیدم ولی تا آمدم بیرون، پلیسی که کنار یک زن ایستاده بود، به من گفت هی آقای این چیه پوشیدی؟ چرا این قدر چسبناک و تنگه؟ و الگوی لباس صحیح را به من

### فلکه اول

### آزادراه

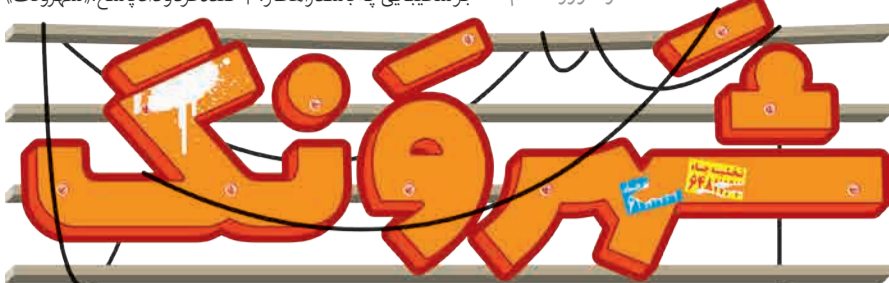
## چگونه در انتخابات مجلس شرکت کنیم

نماینده‌ها از هر طیفی که باشند باید در انتخابات شرکت کنند. متأسفانه جامعه این هفته کنکور برگزار نمی‌شود که این از کم‌کاری مسئولان است. به جای این می‌توانید با دوستان‌تان از سر کنکور آزمایشی بروید پای صندوق رأی. اگر هم دیدید کنکور آزمایشی هم برگزار نشد، خودتان در خانه یک کنکور فرمالیته بسازید و هر کس با هر سنی که می‌تواند، در انتخابات شرکت کند و با هر سطح سواد به جلسه دعوت کنید و بعد از خانه بروید پای صندوق رأی. در کل حواستان باشد کسی به شما نگوید اینها هم طیف شما نیستند و گزینه مورد نظرتان در این نماینده‌ها نیست. این عزیزان فقط از سر حسودی دارند این حرف را می‌زنند. وگرنه شما اینطور نگاه می‌کنید، اصولگراست، آن‌ور را نگاه می‌کنید، اصولگراست. دیگر چه می‌خواهید؟ همین الان هم آن قدر این طیف سیاسی تنوع دارد که آدم می‌ماند چه کند. حتی هستند عزیزانی که چند طیف را با هم پوشش می‌دهند. حیف که کم هستند این نوابغ. وگرنه لازم نبود غصه بخوریم چرا نمی‌توانیم بیشتر از ۳ نماینده انتخاب کنیم. این بزرگواران چند تفکر مختلف را با هم پوشش می‌دهند و تبدیل به یک نماینده‌الهیست. این عزیزان فقط فانتکسیونالیست سندی‌بالیست سمپوزیوم می‌شوند. خوبی چنین کسانی این است که اگر شماروزی نظرتان عوض شود به یک گرایش فکری دیگر علاقه‌مند شوید، دیگر لازم نیست نماینده مورد علاقه‌تان را تغییر دهید. کافی است از قسمت دیگر همان نماینده استفاده کنید. در لیست انتخابی‌تان یک نماینده ساکت هم بگذارید. حیف که اسطوره ساکت را امسال در جمع مان نداریم ولی هستند شاگردانی که راهشان را ادامه دهند. می‌دانید که ساکت سرشار از سخنان ناگفته است. نماینده ساکت بهتر از نماینده‌ای است که کاری کند که آبروی‌تان برود یا عقبش را به شما کند. □

بعد از انتخاب همسر آینده و انتخاب بین آبگوش و بیتزاو انتخاب بین برنامه اقتصادی شبکه یک و برنامه خبری شبکه خبر سخت‌ترین کار دنیا انتخاب نماینده مورد نظر در انتخابات نمایندگی مجلس است. یعنی برای شرکت در انتخابات تنها شناسنامه و انگشت کافی نیست. شما باید از بین طیف گسترده‌ای از دوستان اصولگرا و چند اصلاح‌طلب معتدل فقط ۱۰ نفر را انتخاب کنید. یا دیگر خیلی شانس بیاورید و ساکن تهران باشید. بتوانید ۳ نفر برگزینید. البته هستند دوستان کمال‌گرای که به کم قانع نباشند و برای داشتن حق انتخاب بیشتر روز انتخابات از شهرستان‌شان راهی تهران بشوند. با این همه، حکیم بزرگی معتقد است آدم هرچه انتخاب‌های محدودتری داشته باشد، گزینه بهتری را برمی‌گزیند، ولی چون بزرگش معلوم نیست کیست و چقدر بزرگ بوده، خیلی نمی‌شود به حرفش اعتماد کرد. شما کارتان را بکنید. اگر ساکن تهران هستید و تازه از دواج کرده‌اید، چند روز دیگر می‌توانید دست همسرتان را در مراسم عروسی بگیرید و با همان لباس عروس و دامادی بپوشید سر صندوق رأی. غیر از اینکه، این یک رسم قدیمی است، در چنین حالتی، نفرانی می‌توانند از بین طیف‌های گسترده اصولگرا انتخاب کنند و حق انتخاب خانوادگی‌تان بالا می‌رود. یک آپشن دیگر هم این است که از سر جلسه کنکور بلند شوید و بروید رأی بدهید. البته این ربطی به موضوع بالا فراتر حق انتخاب ندارد و بیشتر یک عادت است. مگر اینکه همه متقاضیان با هم از سر جلسه کنکور بروید رأی بدهید تا انواع



طیبه رسول‌زاده  
کارنوئیست



در ۹ ماه نخست امسال

بیش از ۱۳۰۰ کارگر جان خود را در حوادث کار از دست داده‌اند

## کارگران: پول که نمی‌دید حداقل یه کاری کنید زنده بمونیم!

- ➔ یک کارگر: باقی مونم با این حقوق هازنده فرض نکنید!
- ➔ یک کارگر دیگر: بچه‌ها من می‌رم سرکار، نمی‌دونم برمی‌گردم یا نه!
- ➔ یک مسئول: داشتیم امنیت شغلی رو درست می‌کردیم امنیت جانی از دست مون در رفت!
- ➔ ویروس کرونا: شما از جنبه‌های مختلف می‌تونید با من رقابت کنید!
- ➔ #طنز #جان-بی-ارزش #آدمیزاد #قشر-له-شده #جامعه #شهر ونگ

جراید: دریافتی هر نماینده در یک دوره مجلس  
یک میلیارد و ۴۱۲ میلیون تومان است

### مردم: مهم نیست فقط انصاف‌توی صحن خوابید!

- ➔ کانیدیای مجلس:
- ما به درآمدهای معنوی خدمت مون فکر می‌کنیم!
- ➔ یک شهروند: هر خدمت رو چند میلیون حساب می‌کنید؟!
- ➔ مشاور نماینده: نگران نباش، خرج خدمت به مردم سوخت نمی‌شه!
- ➔ #طنز #خدمت-پر-خرج #سود-این-خدمت #کجاست #شهر ونگ

### سنگ مفت، حرف مفت!

عشق به شکل پرواز پرنده  
مهاجر میانکاله است



شهرام شهیدی  
کارنوئیست

• خوشبختانه مردم سرزمین آریایی برای اینکه اثبات کنند چیزی در جهان نیست که اول توسط آریایی‌ها کشف نشده باشد تمام تلاش‌شان را می‌کنند. برای همین در برابر جشن وارداتی و غربی ولنتاین رفتند در دل تاریخ گشتند و گشتند و گشتند تا بالاخره یک روز عشق پیدا کردند به چه قشنگی. بله امروز سپندارمذگان است. روز عشق در ایران باستان. روزی برای کوبیدن مشت-البته غیر محکم و فرهنگی- بر دهان غرب که یعنی «ما خودمان چی داداش؟ این کاره ایم.»

• در تقویم ایران باستان، روز پنجم هرماه «سپندارمذ» نامیده شده است. در فرهنگ ایران باستان، سپندارمذ لقب زمین است. یعنی گستراننده، مقدس و فروتن. زمین نماد عشق است چون با فروتنی، تواضع و گذشت به همه عشق می‌ورزد. زشت و زیبا را به یک چشم می‌نگرد و همه را چون مادری در دامان پر مهر خود امان می‌دهد. برای همین است که در این سرزمین، آلهایی که خیلی عشقی زندگی می‌کنند زمین‌خوار می‌شوند و آنها که شلوارشان هنوز دو تا نشده و عاشق مانده‌اند، فقط زمین می‌خورند و زمین می‌خورند و زمین می‌خورند و فرصت نمی‌کنند حتی یک آج کوچک بگویند.

• صحبت از عشق شد گفتم پادی هم بکنم از کسانی که عاشق حیوانات و کمک‌رسانی به آنها هستند. دم همه‌شان گرم. البته اینکه صبح کله سحر تو اوج سرما، قبل از اینکه سوار خودرویتان شوید یک لگدی به لاستیک بزنید که با یک تیر دو نشان زده باشید و هم کم باد بودن تایرها را چک کنید و هم اگر گریه‌ای از سرما به موتور گرم خودروی شما پناه آورده، بترسد و فرار کند، کار خوبی است. اما بالاخره تا در پروفایل‌تان ننویسید «شهرام هستم، فعال و عاشق محیط زیست!» برای عاشق طبیعت شدن و بودن، خیلی بیشتر از یک لگد به خودرو لازم است.

• و البته می‌گویند عشق مترادف است با نرسیدن. با این تعریف همه ایرانی‌ها عاشق هستند. حداقل کمی که عاشق هستند. چون ایرانی‌ها اگر هم برسند همیشه دیر می‌رسند و بهانه می‌آورند که ترافیک بود و فلان و بهمان. از نظر مالی هم عاشق محسوب می‌شوند. چون باز هرگز به چیزی که می‌خواهند نمی‌رسند و تا پول تهیه چیزی را جور می‌کنند چیز مورد نظر گران‌تر شده و... حالا از خودروهایی داخلی نمی‌گویم که سوار شدن‌شان باعث می‌شود با هرگز نرسیدن‌تان به مقصد، در تعریف «عشق نرسیدن است» بگنجد و یک عاشق واقعی قلمداد شوید.

• ای شمایی که با عشق زندگی می‌کنید، از من به شما نصیحت. نگذارید پیشوند سابق جلوی دوست داشتن‌هایتان بنشیند. شغل سابق، خانه سابق، دوست سابق... عشق برای همین امروز و حال کنونی‌تان دواست. خوشبختانه الان طلاق سهمیه‌بندی شده و باید خیلی پوست کلفت باشید که همسرتان بشود همسر سابق‌تان. این سهمیه‌بندی با سهمیه کنکور و بنزین و... فرق دارد. □



### کوچه اول

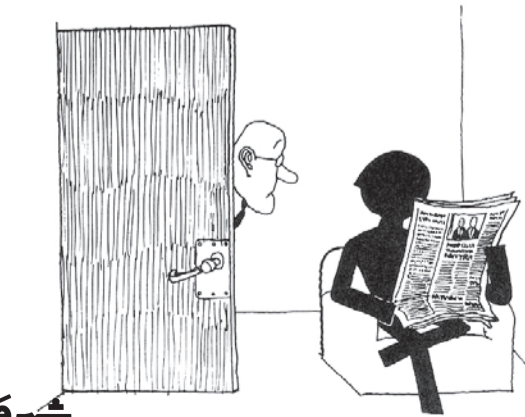
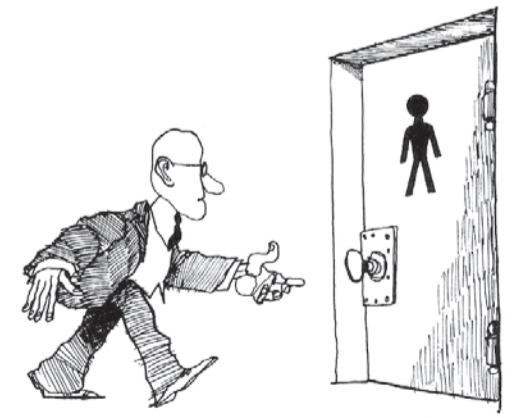
شکوه اسکندری

### شعارهاشون رو بی‌زحمت بشور

از صدای تبلیغات بیرون کر شده بودم. رفتم پیش دکتر، گوش‌هایم را نگاه کرد و بلند فریاد زد: «چی شده؟ یعنی هیچی نمی‌شنوی واقعا؟» دست کردم توی گوش چپم و شعارهای انتخاباتی را کشیدم بیرون و گفتم: «نگاه کن دکتر، هرچی می‌کشم بیرون باز هست، تموم نمی‌شه.» دکتر خاک شعارها را از شانام تکاند و گفت: «عیبی نداره الان گوش‌تومی شورم حل میشه.» روی تخت دراز کشیدم و دکتر با دستگاه مکنده خارجی‌اش (چون جنس داخلش ضعیف بود) گوش‌هایم را شست و شو داد. چندبار دهانم را باز و بسته کردم و سرم را تکان دادم و گفتم: «آخیش خیلی خوب شد.» دکتر نگاهی کرد و گفت: «یعنی الان هرچی بگم می‌شنوی؟» گفتم: «آره عالی ام بفرمایید.» دکتر کاغذ تبلیغات انتخاباتی‌اش را نشانم دادم و گفت: «اسم منویادت نره بنویسیا!» دفترچه‌ام را برداشتم و فرار کردم. □

### شهر ونگ

کینو ... کارنوئیست



شهر ونگ